

## چالش‌های احقاق حق بزه‌دیدگان جرایم اشخاص حقوقی

سید سجاد کاظمی<sup>۱</sup>

حامد چگینی<sup>۲</sup>

### چکیده

بزه‌دیدگان جرایم اشخاص حقوقی در فرایند دادرسی کیفری، از طرح دعوی گرفته تا تعقیب، رسیدگی و اجرای حکم، با چالش‌های متعددی مواجه‌اند. این بزه‌دیدگان برای احقاق حق خود در دادرسی علیه شخص حقوقی با مشکلات و موانع تقنینی و دادرسی برخورد می‌کنند که سبب عدم تحقق احقاق حقوق این افراد شده و در نتیجه راه را برای تکرار جرم شخص حقوقی باز خواهد گذاشت. در بسیاری از موارد، جرایم اشخاص حقوقی به دلیل نقص قانون، ایرادهای دادرسی و حمایت نکردن قانون‌گذار از قربانیان، اشخاص حقوقی مجازات نمی‌شوند یا مجازات سبکی برایشان در نظر گرفته می‌شود و در مواردی محکومیت آن‌ها با تأخیر و روند طولانی دادرسی مواجه می‌شود؛ درحالی‌که آثار سوء جرایم این اشخاص اگر بیشتر از آثار جرایم شخص حقیقی نباشد بی‌شک کمتر نخواهد بود. پژوهش حاضر تلاش دارد به روش توصیفی-تحلیلی و با استفاده از منابع کتابخانه‌ای به شناسایی و بررسی این موانع و چالش‌ها و پیشنهاد و ارائه راهکار پردازد.

واژگان کلیدی: بزه‌دیده، جرم، چالش، دادرسی کیفری، شخص حقوقی، موانع.

۱. عضو هیئت علمی گروه حقوق، دانشکده حقوق، دانشگاه ملایر، ملایر، ایران (نویسنده مسئول) /  
sskazemi92@malayeru.ac.ir

۲. دکترای حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشگاه عدالت، تهران، ایران.

## مقدمه

امروزه اشخاص حقوقی از جایگاه خاصی برخوردارند. این اشخاص در قالب اداره‌ها، سازمان‌ها، بیمارستان‌ها و غیره اقدام به فعالیت کرده و نیازهای مختلف جوامع را تأمین می‌کنند. حضور اشخاص حقوقی در جوامع امروزی در کنار فواید و منافع بالایی که دارند، مشکلاتی را نیز به همراه داشته است. این مشکلات زمانی آشکارتر خواهند شد که نمایندگان این اشخاص به اسم شخص حقوقی مرتکب جرم می‌شوند و جامعه با ارتکاب جرم توسط شخص حقوقی مواجه می‌شود.

چگونگی ارتکاب جرم و ماهیت جرایم ارتكابی اشخاص حقوقی متفاوت از اشخاص حقیقی است و این اشخاص در ارتكاب رفتار مجرمانه به راه‌های نوین و روش‌های ویژه‌ای مرتکب جرم می‌شوند. با توجه به اینکه اشخاص حقوقی برای انجام فعالیت‌هایشان مجوزهای لازم را از مراجع ذی‌صلاح و قانونی مانند اداره ثبت شرکت‌ها و غیره دریافت می‌کنند و با توجه به اینکه مؤسسان این اشخاص، هدف نخستین خود را از تشکیل شخص حقوقی ارائه خدمات مشروع و قانونی اعلام می‌کنند، چنانچه قصد ارتكاب جرم داشته باشند، زیر لوای قانون و دانش تحقق پیدا می‌کند و \*کشف و مبارزه با این جرایم دشواری‌های خاص خود را خواهد داشت.

نکته دیگر، بحث قربانیان جرایم این اشخاص است. بی‌شک جرایم ارتكابی اشخاص حقوقی در مقایسه با جرایم اشخاص حقیقی، بزه‌دیدگان خاص خود را خواهد داشت. بر اثر رفتارهای مجرمانه اشخاص حقوقی، عده‌ای مورد بزه‌دیدگی قرار می‌گیرند و قربانی جرم خواهند شد، ولی آنچه در بزه‌دیدگی قربانیان جرایم اشخاص حقوقی با قربانیان جرایم اشخاص حقیقی متفاوت است، مواردی چون تعداد بزه‌دیدگان، نوع بزه‌دیدگی و راه‌های بزه‌دیدگی است. برای نمونه می‌توان به جرایم مرتبط با محیط زیست اشاره کرد که توسط اشخاص حقوقی تحقق می‌یابند؛ زیرا ممکن است در اثر فعالیت‌های شخص حقوقی مانند کارخانه‌های صنعتی، افرادی که نزدیک این کارخانه سکونت یا اشتغال دارند، به بیماری‌های تنفسی یا انواع سرطان‌ها مبتلا شوند.

دیگر تفاوت مهم در موانع و چالش‌هایی است که بزه‌دیدگان جرایم اشخاص حقوقی در فرایند دادرسی کیفری با آن روبه‌رو هستند. بزه‌دیدگان جرایم اشخاص حقیقی به دلیل سوابق طولانی جرایم مختلف و سابقه زیاد قوانین کیفری و دادرسی، موانع کمتری پیش روی خود

دارند، اما در بزهدیدگی جرایم اشخاص حقوقی با توجه به اینکه جرایم این اشخاص اغلب سبک نوینی از بزهدکاری است، قربانیان جرایم آن نیز موانع و چالش‌های جدی‌تری را در فرایند دادرسی دارند که در اثر آن‌ها احقاق حقوق بزهدیدگان با تأخیر مواجه شده است یا حتی سبب محقق نشدن حقوق این افراد می‌شود.

در ایران و در سال‌های اخیر، مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲/۰۲/۰۱ بدون انجام کارشناسی‌های لازم و به پیروی از قوانین کیفری فرانسه مورد پذیرش قانون‌گذار قرار گرفت. در همان سال با تصویب قانون آیین دادرسی کیفری، به صورت کاملاً شتاب‌زده دادرسی ویژه‌ای برای اشخاص حقوقی پیش‌بینی شد که به همین دلیل، آشکارا موانع و چالش‌هایی قابل مشاهده است. مهم‌ترین موانعی که سبب لطمه به حقوق بزهدیدگان جرایم اشخاص حقوقی می‌شود، گاهی موانع تقنینی است که قانون‌گذار باید در جهت رفع آن اقدام کند و گاهی مربوط به تشریفات و فرایند دادرسی است که در این پژوهش به توضیح آن‌ها می‌پردازیم.

## ۱. فرایند دادرسی جرایم اشخاص حقوقی

تا اواخر قرن بیستم انتساب مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی در اغلب نظام‌های حقوقی بر پایه دلایل قابل توجهی مانند تصنعی بودن این اشخاص، فقدان اهلیت جنایی، متناسب نبودن مجازات با ماهیت آن‌ها و محقق نشدن اهداف مجازات‌ها - به‌ویژه مواردی چون اصلاح و بازپروری و پیشگیری و مغایرت با اصل شخصی بودن مجازات‌ها - در مرحله تردید قرار داشت. به تدریج با توجه به نقش و جایگاه اشخاص حقوقی در جوامع و ضرورت‌های اجتماعی و همچنین با توجه به ارتکاب جرایمی از سوی اشخاص حقوقی در زمینه‌های مختلف اجتماعی، اقتصادی، بهداشتی، زیست‌محیطی، جرایم علیه اشخاص، جرایم علیه امنیت و غیره و همچنین بی‌کفایتی ضمانت‌اجراهای کیفری در مقابله و پیشگیری از این جرایم، پذیرش مسئولیت کیفری امری اجتناب‌ناپذیر قلمداد شد.

پیشرفت جوامع موجب ورود اشخاص حقوقی به صحنه اجتماعی شد. این حضور مشکلاتی را برای جوامع به دنبال داشت و مسئولان به فکر پیشگیری و رسیدگی به جرایم افتادند. این کار نیازمند زیرساخت‌ها و سازوکارهایی حقوقی بود که اعمال آن‌ها نسبت به اشخاص حقوقی و

حقیقی متفاوت بود، چراکه تحقق مسئولیت کیفری در اشخاص حقیقی با مواردی چون بلوغ، عقل و اختیار آشکار می‌شود و این موارد در مورد اشخاص حقوقی قابل اعمال نبوده و با ماهیت اشخاص حقوقی سازگاری ندارد. در نهایت این اعتقاد که مجازات شخص حقوقی بیش از هر ضمانت اجرای دیگری اهداف حقوق کیفری را تأمین خواهد کرد، در اندیشه جوامع حقوقی رواج یافت و مجازات و تحقق مسئولیت این اشخاص در نظام‌های حقوقی مختلف دنیا مورد تصویب قرار گرفت و سبب پذیرش مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی شد.

در حقوق ایران نیز سرانجام پس از یک دوره طولانی قانون‌گذاری در نظام کیفری، پس از پذیرش اهلیت جنایی اشخاص حقوقی و تصویب قوانین مختلف و پذیرش پراکنده مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی در آن قوانین، با تصویب قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲/۲/۱ مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی به‌طور عام مورد پذیرش قانون‌گذار قرار گرفت و با تعیین تکلیف یکی از چالش برانگیزترین موضوعات حقوق کیفری ایران، به سال‌ها بحث و مجادله علمی در این زمینه پایان داده شد. قانون‌گذار در ماده ۱۴۳ قانون مجازات اسلامی با تصویب مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی مقرر ساخت: «در مسئولیت کیفری اصل بر مسئولیت شخص حقیقی است و شخص حقوقی در صورتی دارای مسئولیت کیفری است که نماینده قانونی شخص حقوقی به نام یا در راستای منافع آن مرتکب جرمی شود. مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی مانع مسئولیت اشخاص حقیقی مقصر نیست».

قانون‌گذار ایران طی سال‌های اخیر توجه ویژه‌ای به اشخاص حقوقی داشته است و در قوانین کیفری موازی با پذیرش مسئولیت کیفری در قانون مجازات اسلامی، در سال ۱۳۹۲ اقدام به تصویب مقررات دادرسی ویژه‌ای درباره اشخاص حقوقی نمود. فصل یازدهم قانون آیین دادرسی کیفری به‌طور ویژه به آیین دادرسی جرایم اشخاص حقوقی اختصاص یافته است. به دلیل عواملی چون بدیع بودن و فقدان سابقه تقنینی در آیین دادرسی کیفری اشخاص حقوقی، مواد مرتبط با آیین دادرسی کیفری آن با ابهام‌ها و چالش‌های بسیاری روبه‌روست که این موارد در هنگام رسیدگی به جرایم اشخاص حقوقی مشهود است. آنچه مسلم است نه ماده‌ای که در قانون آیین دادرسی کیفری به رسیدگی جرایم اشخاص حقوقی اختصاص یافته است، به صورت کامل پاسخ‌گوی دادرسی جرایم اشخاص حقوقی نیست و در این زمینه دادرسی با خلأهای قانونی زیادی مواجهیم. با مطالعه و تحقیق در دادرسی اشخاص حقوقی، شتاب‌زدگی

قانون‌گذار در تصویب قانون آیین دادرسی جرایم اشخاص حقوقی کاملاً مشهود است. این چالش‌ها و موانع سبب می‌شوند بزه‌دیدگان جرایم اشخاص حقوقی با مشکلات خاصی در فرایند دادرسی مواجه شوند و احقاق حقوق‌شان محقق نشود.

مراحل مختلف رسیدگی به جرایم اشخاص حقوقی نیز همانند رسیدگی به جرایم اشخاص حقیقی است. رسیدگی به اتهامات این اشخاص با شکایت شاکی یا کشف جرم به شیوه‌های مختلف، در دادسرا پس از ارجاع دادستان به مقام تحقیق آغاز می‌شود و مقام تحقیق اقدام به تحقیقات مقدماتی در این زمینه خواهد کرد. پس از انجام تحقیقات مقدماتی توسط دادسرا، در صورت فقدان دلایل کافی و عدم توجه اتهامات به شخص حقوقی یا جرم نبودن رفتار انتسابی، دادسرا حسب مورد اقدام به صدور قرار موقوفی یا منع تعقیب خواهد کرد، و در صورت توجه اتهامات به شخص حقوقی، قرار جلب به دادرسی در باره شخص حقوقی صادر و پرونده برای رسیدگی و صدور حکم به دادگاه صالح ارسال خواهد شد.

در حال حاضر فرایند دادرسی از پنج مرحله مجزا تشکیل شده است که عبارتند از: کشف جرم، تعقیب مرتکب، تحقیقات مقدماتی و صدور کیفرخواست و مرحله رسیدگی و در نهایت اجرای حکم.

## ۲. موانع تقنینی پیش روی بزه‌دیده جرایم اشخاص حقوقی

مطالعه قوانین دادرسی و کیفری ایران نشان می‌دهد قانون‌گذار در نظام کیفری ایران اصل را بر مسئولیت و ارتکاب جرم توسط شخص حقیقی قرار داده است و حتی با پذیرش مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ همچنان اصل بر مسئولیت کیفری اشخاص حقیقی است؛ به طوری که به صراحت در ماده ۱۴۳ این قانون مقرر شده است در مسئولیت کیفری اصل بر مسئولیت شخص حقیقی است.<sup>۱</sup> به همین دلیل، بزه‌دیدگان جرایم اشخاص حقوقی در طرح شکایت تا دادرسی و اجرای حکم محکومیت شخص حقوقی موانع زیادی دارند که از جمله می‌توان به عدم جرم‌انگاری رفتارهای شخص حقوقی، متناسب نبودن

۱. ماده ۱۴۳: در مسئولیت کیفری اصل بر مسئولیت شخص حقیقی است و شخص حقوقی در صورتی دارای مسئولیت کیفری است که نماینده قانونی شخص حقوقی به نام یا در راستای منافع آن مرتکب جرمی شود. مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی مانع مسئولیت اشخاص حقیقی مرتکب جرم نیست.

میزان مجازات با جرم ارتكابی و عدم كفايت قوانين دادرسی جرایم اشخاص حقوقی اشاره كرد. بسیاری از جرایم اشخاص حقوقی با توسل به قدرت و موقعیت آن‌ها در جامعه تحقق می‌یابد. اهمیت جرم‌انگاری مناسب برای اشخاص حقوقی تا جایی است که اصول نهم، یازدهم و بیست‌ویکم بخش دوم اعلامیه اصول بنیادین عدالت برای بزه‌دیدگان و قربانیان سوءاستفاده از قدرت که توسط اشخاص حقوقی تحقق پیدا می‌کند، بر گنجاندن هنجارهای متنوع‌کننده سوءاستفاده از قدرت در قوانین داخلی تأکید کرده است (رایجیان اصل، ۱۳۸۵: ۱۰۶).

### ۱-۲. جرم‌انگاری ناقص جرایم شخص حقوقی

تعیین جرم و مجازات وظیفه خاص قانون‌گذار است و تنها قانون‌گذار می‌تواند در جهت جرم‌انگاری رفتارهای مختلف اقدام و تعیین مجازات کند. جرم‌انگاری فرایندی است که به موجب آن قانون‌گذار فعل یا ترک فعلی را ممنوع و برای آن ضمانت‌اجرای کیفری وضع می‌کند. این اقدام در نظام کیفری ایران باید با رعایت حدود مقرر در قانون اساسی و با توجه به اصل ۷۱ صورت گیرد (نجفی توانا و مصطفی زاده، ۱۳۹۲: ۱۴۹).

ماهیت اشخاص حقوقی به گونه‌ای است که همراه با تغییرات و پیشرفت فناوری در دنیا، نوع رفتار و فعالیت‌های آن‌ها نیز تغییر می‌کند و برای انجام فعالیت بهتر و کسب سود بیشتر، خود را به روش‌های نوین مجهز می‌کنند. این تغییرات همواره فرصت‌هایی را در ارتكاب رفتارهای مختلف فراهم می‌کند که ممکن است قربانیان و زیان‌دیدگان فراوانی داشته باشد ولی به دلیل عدم جرم‌انگاری، قربانیان رفتارهای شخص حقوقی نمی‌توانند طرح دعوی و تقاضای دادخواهی کنند. در همین راستا، سازمان ملل متحد از دولت‌ها خواسته است درباره جرایم اشخاص حقوقی موارد تعقیب را مشخص و در مقابله با آن مواردی را قانون‌گذاری کنند که مشمول جبران خسارت نیز شود (Skinnider, 2011: 63).

به‌رغم پذیرش مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی، با توجه به پیچیدگی جرایم این اشخاص به نظر می‌رسد قانون‌گذار باید جرایم ارتكابی محتمل از طرف اشخاص حقوقی را به‌صراحت پیش‌بینی کند و ضمانت‌اجرای متناسب با این جرایم را در نظر بگیرد.

خلاف قانونی در جرایم اشخاص حقوقی پیش از پذیرش مسئولیت کیفری به صورت گسترده، و پس از پذیرش مسئولیت کیفری به صورت محدودتر تا جایی است که طبق مطالعات انجام‌شده

به دلیل عدم جرم‌انگاری رفتارهای اشخاص حقوقی، در بیش از هزار پرونده که علیه این اشخاص طرح دعوی شده بود، رأی بر بی‌حقی خواهان‌ها صادر شده است یا در نهایت جبران خسارت‌های حقوقی در نظر گرفته شده است؛ درحالی‌که رفتارهای ارتكابی سبب آسیب‌های فراوان شده بودند و در صورت جرم‌انگاری امکان صدور مجازات سنگین برای این اشخاص وجود داشت (محمدخانی، ۱۳۸۶: ۷).

در حال حاضر اشخاص حقوقی که اعمال حاکمیت می‌کنند، برابر با تبصره ماده ۲۰ قانون مجازات اسلامی مسئولیت کیفری ندارند و قابل مجازات نیستند. همین موضوع یکی از آسیب‌هایی است که اشخاص حقوقی می‌توانند با رفتارهای مجرمانه‌شان به جامعه وارد کنند؛ از این رو با توجه به اینکه در قوانین ایران تعریف جامعی از اعمال حاکمیت صورت نگرفته است، این امکان وجود دارد که دولت‌های مختلف تحت عنوان اعمال حاکمیت مرتکب جرم شوند و با همین بهانه از پرداخت خسارات و ضرر و زیان بزه‌دیدگان خودداری کنند.

برای نمونه می‌توان به پرونده‌های آلوده اشاره کرد که یکی از جنجالی‌ترین پرونده‌های حقوق کیفری ایران است؛ موضوعی که بسیاری از قربانیان آن پس از چندین سال یا به حق خود نرسیدند یا احقاق حق‌شان به صوت ناقص انجام گرفت. در دهه ۱۳۶۰ ایران اقدام به ورود خون از فرانسه برای درمان بیماران هموفیلی کرد. پس از تزریق این خون‌ها به متقاضیان مشخص شد خون‌های تزریقی آلوده به ویروس ایدز بوده‌اند. چند سال بعد بسیاری از این افراد دچار آسیب شدید شدند و بسیاری از آنان جان باختند. به دلیل قوانین کیفری و سایر تشریفات دادرسی، رسیدگی به شکایات بزه‌دیدگان این جرم بیش از دو دهه به طول انجامید و در نهایت در سال ۱۳۸۳ دادگاه، وزارت بهداشت و سازمان انتقال خون را به پرداخت خسارت به قربانیان محکوم کرد.

مجازات‌هایی که دادگاه برای محکومان در نظر گرفت، پرداخت خسارت بود که بی‌شک این مجازات متناسب با حجم جرم ارتكابی و تعداد قربانیان این جرم نبود؛ چراکه این جرم جان صدها نفر را گرفته بود و آسیب‌های جسمی و روحی مستقیم و غیرمستقیم فراوانی را به افراد بسیاری وارد کرده بود، ولی به دلیل مقررۀ قانونی خاص در قوانین کیفری، مجازات مناسب برای افراد مسئول لحاظ نشد (عباسی و دیگران، ۱۳۸۸: ۶۴).

## ۲-۲. نبود کیفر متناسب در جرایم اشخاص حقوقی

علاوه بر موارد گفته شده، به نظر می‌رسد در مواردی که قانون‌گذار اقدام به جرم‌انگاری جرایم اشخاص حقوقی کرده است، مجازات متناسب با جرایم ارتكابی نیست و جرم‌انگاری و تعیین مجازات به صورت ناقص انجام شده است و تناسبی با میزان مجازات مقرر قانونی و آثار سوء آن‌ها وجود ندارد.

یکی از مجازات‌های مقرر برای اشخاص حقوقی، جزای نقدی است. میزان این مجازات برای اشخاص حقوقی حداقل دو برابر و حداکثر چهار برابر میزان جزای نقدی است که در قانون برای ارتكاب همان جرم برای شخص حقیقی مقرر شده است.<sup>۱</sup> این مجازات به‌ویژه برای اشخاص حقوقی مانند شرکت‌های تجارتي بزرگ، سبک و ناعادلانه به نظر می‌رسد. اگر شخص حقیقی اقدام به آلودگی هوا یا آلودگی رودخانه یا محیط زیست کند، بی‌شک میزان آلودگی حاصل از عمل او کمتر از عمل شخص حقوقی مانند کارخانه‌های بزرگ صنعتی است که با ورود فاضلاب سبب آلودگی رودخانه و محیط زیست می‌شوند یا با رعایت نکردن استانداردهای لازم، منجر به آلودگی هوا و آسیب به سلامتی افراد جامعه می‌شوند؛ با وجود این قانون‌گذار تنها دو تا چهار برابر جزای نقدی در مقایسه با شخص حقیقی را برای اشخاص حقوقی قابل‌اعمال می‌داند. این میزان مجازات با عدالت سازگار نیست، زیرا در برابر سود حاصله و منافع اشخاص حقوقی، مبلغ ناچیزی است که نمی‌تواند جنبه بازدارندگی نسبت به این اشخاص داشته باشد. از سوی دیگر، جزای نقدی پرداخت شده توسط شخص حقوقی به صندوق درآمدهای دولت یا قوه قضاییه واریز می‌شود و در عمل تأثیری در حال بزه‌دیدگان نخواهد داشت.

عده‌ای معتقدند نرخ جزای نقدی پیش‌بینی شده برای اشخاص حقوقی اغلب کمتر از چهار درصد سود آن‌هاست. به همین دلیل در ایالات متحده آمریکا مبلغ جزای نقدی اشخاص حقوقی تا نرخ پنج میلیون دلار نیز افزایش داده شده است، اما نتایج نشان می‌دهد حتی این مبلغ نیز تأثیر چندانی در کاهش جرایم اشخاص حقوقی نداشته است (Price, 2009: 56). عده‌ای نیز بر این باورند که جرایم اشخاص حقوقی شدیدتر از جرایم اشخاص حقیقی است و به همین سبب مجازات بیشتری را برای آنان خواستارند و معتقدند نظام عدالت کیفری با تعیین مجازات سنگین‌تر

۱. ماده ۲۱: میزان جزای نقدی قابل‌اعمال بر اشخاص حقوقی حداقل دو برابر و حداکثر چهار برابر مبلغی است که در قانون برای ارتكاب همان جرم به وسیله اشخاص حقیقی تعیین می‌شود.



می‌تواند نقش بهتری در برابر جرایم ارتكابی اشخاص حقوقی ایفا کند (Spalek, 2008: 9).

## مطالعات

### حقوق بشر اسلام

سید سجاد کاظمی، حامد چگینی  
جانش‌های احقاق حق بزده‌دیدگان، جرایم اشخاص حقوقی

### ۲-۳. ناکافی بودن مقررات دادرسی کیفری درباره جرایم اشخاص حقوقی

علاوه بر قوانین کیفری مانند قانون مجازات اسلامی که با نقص یا ناکافی بودن جرم‌انگاری اشخاص حقوقی مواجه است، در قانون آیین دادرسی کیفری نیز با عدم کفایت مقررات دادرسی درباره اشخاص حقوقی مواجهیم. مواد ۶۸۸ تا ۶۹۶ این قانون آیین دادرسی کیفری به جرایم اشخاص حقوقی اختصاص یافته و تلاش شده است تا جنبه افتراقی آیین دادرسی جرایم اشخاص حقوقی، نمود پیدا کند. مقررات آیین دادرسی کیفری در مورد اشخاص حقوقی را می‌توان به سه دسته کلی تقسیم کرد:

۱. مقررات افتراقی که مواد ۶۸۸ تا ۶۹۶ قانون آیین دادرسی کیفری را شامل می‌شوند؛
۲. مقررات عمومی آیین دادرسی که طیف وسیعی را دربرمی‌گیرد و در مورد اشخاص حقوقی نیز جاری است. در ماده ۶۹۶ این قانون اشاره شده است هرکجا مقررات ویژه‌ای در مورد جرایم اشخاص حقوقی پیش‌بینی نشده باشد، مطابق مقررات عمومی آیین دادرسی کیفری عمل می‌شود؛
۳. شامل برخی مقررات آیین دادرسی کیفری است که اصولاً در مورد اشخاص حقوقی قابلیت اجرا ندارند؛ برای مثال مقررات مربوط به حقوق متهم در مرحله تحت نظر که در مورد اشخاص حقوقی موضوعیت ندارد یا مقررات مربوط به نظارت قضایی حقوقی و بخش زیادی از مقررات آیین دادرسی که در مقام رعایت کرامت انسانی است و در مورد اشخاص حقوقی قابلیت اجرا ندارند.

قانون آیین دادرسی کیفری به گونه‌ای تصویب شده است که اغلب مباحث آن اشخاص حقیقی را شامل می‌شود و آنچه مسلم است اینکه بخش عمده قوانینی که در دادرسی اشخاص حقیقی پیش‌بینی شده است، درباره اشخاص حقوقی قابلیت اجرا نخواهد داشت و نمی‌توان آن‌ها را برای اشخاص حقوقی مقرر و ثابت دانست. بیشتر مواد قانون آیین دادرسی چنان تنظیم شده‌اند که با توجه به اصالت مسئولیت کیفری اشخاص حقیقی، مقررات با فرض اینکه اشخاص حقیقی مرتکب جرم شده‌اند، تدوین یافته‌اند؛ حال آنکه امروزه نقش و جایگاه اشخاص حقوقی انکارناپذیر است، بسیاری از حقوق و تکالیف بر عهده آنان قرار گرفته است، تأمین بسیاری

از نیازهای زندگی کنونی از ارتباط با این اشخاص تأمین می‌شود، و عدم این ارتباط اخلال در زندگی روزمره را در پی خواهد داشت (جعفری هرندی، ۱۳۸۴: ۵۶). اشخاص حقوقی نیز مرتکب جرم می‌شوند و با توجه به اینکه ماهیت قانون آیین دادرسی کیفری بر مبنای زندگی اشخاص حقیقی تنظیم شده است، این قانون پاسخ‌گویی نحوه و فرایند رسیدگی به دعاوی کیفری اشخاص حقوقی نیست. در رفع این چالش، بهتر بود قانون‌گذار به جای اختصاص تنها نه ماده برای رسیدگی به جرایم اشخاص حقوقی، قانون مجزایی را برای رسیدگی به جرایم اشخاص حقوقی تصویب می‌کرد یا رسیدگی به جرایم آنان را به‌طور مفصل‌تری مورد تصویب قرار می‌داد تا از صدور آرای متفاوت و رویه‌های متعارض محاکم پیشگیری شود. پیشنهاد دیگر این است که ذیل هر ماده یا مقرره‌ای، طی تبصره یا بندی تفاوت‌های رسیدگی به جرایم اشخاص حقوقی با اشخاص حقیقی بیان شود؛ برای مثال قراردادهای مربوط به تأمین کیفری اشخاص حقوقی در فصل مربوط به قرارها آورده شود. مسئولیت تقنینی و قضایی جامعه باید ابتدا جرایمی را که امکان تحقیق‌شان توسط شخص حقوقی وجود دارد، شناسایی کنند سپس با تعیین مجازات متناسب از نظر شدت و وخامت جرایم ارتكابی و ارزش‌های نقض شده، اشخاص حقوقی را مجازات کنند. در قانون آیین دادرسی کیفری فرانسه نیز به‌رغم اینکه قانون‌گذار درباره اشخاص حقوقی اقدام به تصویب قانون دادرسی خاص کرده است و در بخش هجدهم قانون، مواد ۴۱-۷۰۶ تا ۴۶-۷۰۶ را به تعقیب، تحقیق و دادرسی در جرایم ارتكابی توسط اشخاص حقوقی اختصاص داده است، ولی به دلیل عدم کفایت پیش‌بینی‌های قانونی لازم، همچنان در بیشتر موارد رسیدگی به جرایم این اشخاص مطابق با مقررات عمومی و مقررات مربوط به اشخاص حقیقی اعمال می‌شود (Deckert, 2011: 152).

به نظر می‌رسد اختصاص عمده مقررات دادرسی کیفری به اشخاص حقیقی، بزرگ‌ترین مشکل و چالش در رسیدگی به جرایم ارتكابی اشخاص حقوقی است (جعفری و دیگران، ۱۳۹۹: ۵۹).

### ۳. موانع و چالش‌های بزه‌دیدگان جرایم اشخاص حقوقی در مرحله دادرسی

زیان‌دیدگان جرایم اشخاص حقوقی در احقاق حق خود و همچنین در دادرسی علیه شخص حقوقی مجرم، با موانع و چالش‌های دیگری نیز مواجهند که رسیدگی عادلانه به جرایم را دشوار خواهد کرد. این چالش‌ها گاه مربوط به مرحله پیش از دادرسی و گاه مربوط به مرحله دادرسی علیه شخص حقوقی است.

## ۱-۳. موانع پیش روی بزهدیدگان جرایم اشخاص حقوقی در مرحله کشف و تعقیب

یکی از چالش‌های مهم انجام تحقیقات مقدماتی جرایم اشخاص حقوقی در مرحله کشف جرم، شناسایی شخص حقوقی مرتکب است. در قانون آیین دادرسی کیفری، کشف جرایم شخص حقوقی از همان شرایط و قوانین کشف جرم شخص حقیقی دنباله‌روی می‌کند و در زمینه کشف جرایم شخص حقوقی، مقررات جداگانه‌ای پیش‌بینی نشده است. همین امر یکی از پُرچالش‌ترین موضوعات در تحقیقات مقدماتی جرایم شخص حقوقی است؛ چراکه اغلب ماهیت و نوع جرایم آنان بسیار متفاوت از رفتارهای مجرمانه شخص حقیقی است. بسیاری از اشخاص حقوقی به دلیل توانایی بالایی که در کنترل اثرات فعالیت‌های مجرمانه‌شان دارند، می‌توانند جرایم ارتكابی را مخفی نگه دارند و مانع کشف جرم شوند. قدرت اقتصادی بالای اشخاص حقوقی از دیگر عواملی است که جرایم را پنهان نگه می‌دارد و مجرمان که معمولاً نمایندگان شخص حقوقی هستند، با نفوذ در افراد و ایجاد انگیزه‌های مالی در بازرسان، ضابطان و نهادهای نظارتی، مانع کشف جرایم می‌شوند.

عدم کشف جرم شخص حقوقی تا حد بسیار بالایی متأثر از فقدان پیش‌بینی قوانین خاص و سپس ضعف متولیان کشف جرم است. با توجه به گستردگی اشخاص حقوقی و با توجه به اینکه رفتارهای مجرمانه شخص حقوقی در محیط‌های فنی و زیر لوای دانش و تخصص مرتکبان تحقق پیدا می‌کند، کشف این جرایم از سوی ضابطان عام دادگستری دشوار و گاه غیرممکن است. در اغلب موارد در قانون آیین دادرسی کیفری، کشف جرم شخص حقوقی به ضابطان عام واگذار شده است؛ درحالی‌که این افراد اغلب فاقد تخصص و تحصیلات مرتبط بوده و دوره‌های آموزشی لازم در این زمینه را نیز سپری نکرده‌اند و در حوزه‌های تخصصی مربوط به جرم شخص حقوقی تجربه و مهارتی ندارند؛ از این رو بهتر است قانون‌گذار در کشف جرایم شخص حقوقی ضابطان خاص را پیش‌بینی کند و کشف جرایم این اشخاص را به صورت اختصاصی مورد تصویب قرار دهد.

ضابط خاص دارای تحصیلات و تجربه بالا تنها در صورتی قادر به کشف رفتارهای مجرمانه شخص حقوقی است که آگاهی کافی درباره فرایند چگونگی ارتكاب جرم و روش‌های نوین نقض قانون داشته باشد. در حال حاضر متولیان کشف جرایم شخص حقوقی در بیشتر حوزه‌ها به چنین مهارت و دانشی مجهز نشده‌اند و برعکس، اشخاص حقوقی مجرم با شناسایی خلأهای

نظام کشف جرم و بازرسی، اقدام به انجام اعمال مجرمانه می‌کنند (شکریان، ۱۳۹۰: ۶۹). علاوه بر این چنانچه نهادهای نظارتی مانند سازمان بازرسی کل کشور، بازرسان سازمان امور مالیاتی<sup>۱</sup> و بازرسان اداره کار و امور اجتماعی<sup>۲</sup> را جزء متولیان کشف جرایم اشخاص حقوقی بدانیم، از نظر کمی تعداد این نهادها به قدری پایین است که هیچ تناسبی میان آن‌ها به عنوان متولیان کشف جرم با اشخاص حقوقی مجرم وجود ندارد و افراد معدودی مسئول کشف جرایم اشخاص حقوقی هستند. برای مثال در شهرها و استان‌های صنعتی که اشخاص حقوقی مختلف بسیار زیادی در حال فعالیت هستند، تعداد نهادهای نظارتی و بازرسی بسیار محدود است و کشف جرایم این اشخاص بسیار دشوار خواهد بود.

در این زمینه نیاز است ضمن اختصاصی کردن بازرسی‌ها و آموزش تخصصی به ضابطان دادگستری، با پیش‌بینی قوانین یا آیین‌نامه‌هایی مبنی بر نظارت‌های کنشی دقیق و مستمر در کشف جرایم و شناسایی اشخاص حقوقی مجرم، اقدام کرد. استفاده از مخبران و افشاکنندگان نیز می‌تواند در کشف جرایم شخص حقوقی تأثیر بالایی داشته باشد و با توجه به اینکه بیشتر جرایم شخص حقوقی فاقد بزه‌دیدگان مستقیم و آثار مشهود هستند، یکی از راه‌های مؤثر در شناسایی این جرایم استفاده از مخبران و افشاگران است. این افراد که معمولاً از کارکنان داخلی شخص حقوقی هستند، با توجه به اطلاعات در دست می‌توانند نهادهای ذی‌صلاح را از تحقق جرم آگاه سازند؛ اما با توجه به عدم پیش‌بینی حمایت خاصی از این افراد در قوانین مختلف به‌ویژه در قانون آیین دادرسی کیفری، معمولاً گزارشی ارائه نمی‌دهند و با توجه به اینکه قوانین جزایی ایران گزارش‌دهی از جرایم اشخاص حقوقی را اجباری ندانسته است، کشف و شناسایی جرایم شخص حقوقی با دشواری روبه‌رو است (شکریان، ۱۳۹۰: ۶۹).

در کشور فرانسه قانون‌گذار با در نظر گرفتن پاداش برای مخبری، سعی در حمایت از این افراد داشته است (جعفری، ۱۳۸۶: ۱۱۵). قانون‌گذار فرانسه در راستای ترغیب مخبران به افشای جرایم اشخاص، در ماده ۶۱-۷۰۶ قانون مجازات برای مواجهه متهم با مخبر شرایط خاصی را پیش‌بینی کرده است تا مواجهه مستقیم یا غیر مستقیم مخبر با متهم، منجر به افشای هویت مجرم نشود (مهدوی پور و شهرانی، ۱۳۹۴: ۱۵۲). در حقوق کیفری فرانسه پیش‌بینی‌های دیگری نیز

۱. تبصره ماده ۲۰۱ قانون مالیات‌های مستقیم مصوب ۱۳۶۶

۲. تبصره ۲ ماده ۹۶ قانون کار مصوب ۱۳۶۹

در جهت ارائه اطلاعات از طرف اشخاص به منظور اعلام جرم به‌ویژه جرایم اشخاص حقوقی و جرایم اقتصادی انجام شده است؛ مانند آنکه در جهت تشویق متهمان به انصراف و بازگشت از ادامه ارتکاب جرم برای این قبیل مجرمان، امتیازها و مساعدت‌هایی در نظر گرفته شده است. قانون مجازات فرانسه در ماده ۷۸-۱۳۲ (الحاقی به موجب قانون ۱۹ مارس ۲۰۰۴) مقرر داشته است شخصی که آغاز به انجام جرمی کند اگر با آگاه‌کردن مسئولان اداری یا قضایی، از تحقق جرم جلوگیری کند و در صورت مقتضی دیگر مرتکبان و شرکای جرم را شناسایی کند، براساس قانون، مجازات از او ساقط می‌شود. چنین اموری در فرانسه بیشتر برای جرایم اقتصادی، جرایم اشخاص حقوقی و جرایم سازمان‌یافته کاربرد دارد (senat, 2003:9). هرچه نظارت نهادهای نظارتی بر اشخاص حقوقی بیشتر باشد، بیشتر مکلف به ارائه گزارش جرم خواهند شد و تهدید به تعقیب کیفری و اعمال ضمانت‌اجرا موجب تعامل بیشتر اشخاص حقوقی و نهادهای نظارتی در زمینه کشف جرم خواهد شد (سالی اس سیمپسون، ۱۳۹۵: ۵۸).

جرایم اشخاص حقوقی به گونه‌ای است که معمولاً بزهدیده فردی و مستقیم در آن‌ها کمتر است و افراد اغلب به صورت جمعی و غیرمستقیم مورد بزهدیدگی قرار می‌گیرند و حتی ممکن است از آن مطلع نشوند؛ برای نمونه بسیاری از جرایم شخص حقوقی وضعیت اقتصادی، بهداشتی، سلامت و امنیت جامعه را متضرر می‌کنند و بزهدیدگان آن طیف قابل توجهی از افراد جامعه هستند که با ناآگاهی از بزهدیدگی‌شان، کشف جرایم و شناسایی شخص حقوقی مجرم را نیز با دشواری روبه‌رو می‌سازند؛ بدین ترتیب ضروری است قانون‌گذار درباره کشف جرایم این اشخاص رویه جداگانه‌ای را در نظر بگیرد (Emanul, 2013:68).

## ۲-۳. موانع و چالش‌های بزهدیدگان جرایم اشخاص حقوقی در مرحله دادگاه

پس از جرم ارتكابی شخص حقوقی و مطلع شدن بزهدیدگان از وقوع آن، نوبت به طرح شکایت و رسیدگی به جرایم شخص حقوقی می‌رسد. در این مرحله افرادی که در اثر ارتکاب جرایم اشخاص حقوقی متحمل ضرر و زیان مادی یا معنوی شده‌اند، باید اقدام به شکایت از شخص حقوقی کنند و از مراجع ذیصلاح تقاضای رسیدگی و دادخواهی داشته باشند. از ابتدای شکایت و درخواست تعقیب تا مراحل پایانی دادرسی، بزهدیدگان با موانع و چالش‌هایی روبه‌رو هستند؛ از جمله دشواری اثبات رابطه علیت در جرایم ارتكابی از طرف شخص حقوقی،

فرافکنی و انکار مسئولیت توسط مدیران و اعضای شخص حقوقی و اطاله دادرسی که در ادامه به شرح آن‌ها می‌پردازیم. عدم کفایت قوانین دادرسی کیفری جرایم اشخاص حقوقی نیز از مهم‌ترین موانع بزه‌دیدگان جرایم اشخاص حقوقی به شمار می‌رود که در بحث موانع تقنینی به آن پرداخته شد.

### ۱-۲-۳. دشواری رابطه علیت در جرایم ارتكابی شخص حقوقی

یکی از دشواری‌های بزه‌دیدگان جرایم اشخاص حقوقی در فرایند دادرسی کیفری، چگونگی اثبات جرایم ارتكابی است. انتساب جرم به شخص حقوقی و اثبات علل وقوع جرم اشخاص حقوقی بسیار دشوارتر از جرایم اشخاص حقیقی است. برای اینکه شخص حقوقی از نظر قانونی مسئول قلمداد شود، باید بین جرایم ارتكابی و رفتار آن رابطه علیت وجود داشته باشد و محرز شود که علت وقوع جرم، رفتار یا فعالیت منتسب به شخص حقوقی بوده است و پرواضح است که اثبات این رابطه کار آسانی نیست؛ به‌ویژه زمانی که چندین عامل در وقوع جرم نقش داشته باشند، اثبات آن دشوارتر خواهد شد.

برای مثال زمانی که شخص حقیقی مرتکب جرم می‌شود، اثبات رابطه علیت بین رفتار او با جرم ارتكابی با ارائه دلایل و استناد به ادله قانونی قابل اثبات است، اما زمانی که شخص حقوقی با اقداماتی چون تهیه و توزیع داروهای مسموم مرتکب مرگ افراد می‌شود - به‌ویژه زمانی که اثر این داروها ماه‌ها یا سال‌ها پس از مصرف خود را نشان دهد - چگونه می‌توان این رابطه علیت را اثبات کرد؛ یا زمانی که شخص به دلیل فعالیت در محیط‌های کارگاهی آلوده، به سرطان ریه یا خون مبتلا می‌شود و فوت می‌کند چگونه می‌توان اثبات کرد فوت او ناشی از فعالیت‌های این شخص در کارگاه‌های آلوده بوده است؟ (عزیزی، ۱۳۹۲: ۱۰۱)؛ بنابراین محقق نشدن رابطه علیت در بسیاری مواقع سبب می‌شود محاکم، اشخاص حقوقی را مجرم ندانند و حکم به بی‌گناهی‌شان صادر کنند.

### ۲-۲-۳. توجیه و انکار مسئولیت توسط مدیران و نمایندگان شخص حقوقی

فرافکنی و توجیه یکی از مشکلات اثبات جرم به اشخاص حقوقی و به تبع آن یکی از موانع زیان‌دیدگان جرایم در احقاق حقوق‌شان است. زمانی که افراد علیه شخص حقوقی اقدام به

طرح شکایت کیفری می‌کنند، نمایندگان و اعضای شخص حقوقی در راستای ارائه دفاعیات، اقدام به توجیه دادگاه و فرافکنی می‌کنند تا انتساب اتهام‌ها را با خلل مواجه سازند. نمایندگان اشخاص حقوقی در جلسه رسیدگی تلاش در توجیه دادگاه و سعی در انکار مسئولیت شخص حقوقی دارند و در دفاعیات‌شان به دستاویزهای فراوانی استناد می‌کنند تا شخص حقوقی را از اتهامات انتسابی پاک کنند. برای نمونه در پرونده خون‌های آلوده که سبب ابتلای هزاران نفر به ویروس ایدز شد، سازمان انتقال خون و وزارت بهداشت در توجیه و فرافکنی از اتهامات انتسابی در دفاعیات‌شان بیان می‌داشتند: به‌طورقطع مشخص نیست این افراد از راه انتقال خون، به بیماری ایدز مبتلا شده باشند؛ زیرا این بیماری علاوه بر انتقال خون از راه‌های دیگر نیز قابل انتقال است.

علاوه بر توجیه و فرافکنی در اتهامات انتسابی به اشخاص حقوقی، بسیاری از مدیران و دست‌اندرکاران مسئولیت‌شان را در ارتکاب جرایم انکار می‌کنند و در واقع خودشان را به‌طور مستقیم مسئول جرایم ارتكابی یا اتهامات انتسابی نمی‌دانند. برای مثال بسیاری از مدیران در اشخاص حقوقی مختلف، عامدانه وانمود به ندانستن برخی اقدامات و اطلاعات می‌کنند تا شاید بتوانند با استناد به جهل به موضوع، مسئولیت کیفری درباره اتهامات انتسابی به شخص حقوقی را از خود سلب کنند. در مواردی نیز ممکن است مدیر شخص حقوقی علم بر رفتارهای ارتكابی افراد تحت مدیریت خود را انکار کند و با وانمود اینکه از رفتارهای زیردستانش مطلع نبوده است و نمی‌دانسته است که سایر اعضای شرکت چه اقداماتی انجام می‌دهند، جرایم انتسابی به خود را رد کند. چنین وضعیتی بیشتر در اشخاص حقوقی بزرگ مانند شرکت‌های صنعتی، خودروسازی و غیره رخ می‌دهد که مدیران شخص حقوقی مدعی می‌شوند قصد ارتكاب جرم نداشته‌اند و مستقیم دستور ارتكاب جرم را نداده‌اند؛ بنابراین اقدام به انکار مسئولیت‌شان می‌کنند (عزیزی، ۱۳۹۲: ۱۰۶)

علاوه بر مدیران شخص حقوقی گاهی سایر اعضای شخص حقوقی نیز درباره اتهام‌ها و جرایم انتسابی دست به انکار مسئولیت می‌زنند؛ برای مثال کارمندان مدعی می‌شوند در راستای اجرای دستورات مافوق، امور را انجام داده‌اند و هیچ رفتار مجرمانه مستقلی را مرتکب نشده‌اند و با این استدلال خواهان صدور حکم بی‌گناهی‌شان هستند.

## ۳-۲-۳. اطلاع دادرسی

اطاله دادرسی همواره یکی از دشواری‌های رسیدگی به جرایم بوده است که معمولاً روند احقاق حق را با اختلال مواجه می‌کند. اطلاع دادرسی در تعریف به معنای طولانی شدن زمان رسیدگی به پرونده‌های قضایی در دادسرا و دادگاه و مراجع شبه قضایی است که سابقه دیرینه‌ای در دستگاه قضایی کشور دارد و در بسیاری از رسیدگی‌ها با این مشکل برخورد می‌کنیم. اگر متهم پرونده‌ای شخص حقوقی باشد، اطلاع دادرسی بیشتر خود را نشان می‌دهد و روشن است که در طرح شکایت علیه شخص حقوقی، مراجع قضایی در مقایسه با زمانی که هر دو طرف شخص حقیقی هستند، زمان بیشتری را صرف رسیدگی خواهند کرد. به دلیل طولانی شدن فرایند دادرسی در جرایم اشخاص حقوقی، بسیاری از زیان‌دیدگان تمایلی به طرح دعوی ندارند یا از ادامه رسیدگی منصرف می‌شوند.

اطاله دادرسی در جرایم اشخاص حقوقی می‌تواند عوامل گوناگونی داشته باشد که بسیاری از این عوامل صرفاً در جرایم اشخاص حقوقی مشاهده می‌شود و در جرایم اشخاص حقیقی وجود ندارد یا کمتر احساس می‌شود. جرایم شخص حقوقی با توجه به ماهیت‌شان متفاوت از جرایم اشخاص حقیقی است؛ از این رو فرایند دادرسی و شرایط رسیدگی به آن نیز جداگانه است و رسیدگی به جرایم آن نیاز به دانش و تجهیز مقام تعقیب، تحقیق و مقام رسیدگی به اطلاعات روز و آشنایی با مسائل تخصصی دارد. افراد ذی‌صلاح در رسیدگی به جرایم سنتی ممکن است در طول خدمت هزاران پرونده را رسیدگی کرده باشند، اما جرایم اشخاص حقوقی جلوه نوینی از جرایم و بزهکاری عصر حاضر است و روش‌های ارتکاب آن و چگونگی اثبات‌شان متفاوت از جرایم سنتی است؛ بنابراین شاید بتوان یکی از عوامل اطلاع دادرسی جرایم اشخاص حقوقی را فقدان آموزش قضات در رسیدگی به جرایم دانست. برای مثال در رسیدگی به جرایم شخص حقوقی‌ای که مرتکب جرایم رایانه‌ای مانند تغییر یا دسترسی به داده‌های محرمانه شده است، یا اقدام به انتشار داده‌های مستهجن کرده است و تمام یا قسمتی از فعالیت خود را به ارتکاب جرم رایانه‌ای اختصاص داده است، مقام رسیدگی‌کننده باید علاوه بر تسلط بر مباحث حقوق کیفری به دانش نوین رایانه‌ای نیز آشنایی داشته باشد تا بتواند در رسیدگی تسریع کند.

علاوه بر این، قضات دادگستری بیشتر تمایل به رسیدگی به جرایم سنتی و کلاسیک دارند و در رسیدگی به جرایم اشخاص حقوقی چندان مشتاق نیستند، زیرا در رسیدگی به این جرایم قاضی



باید اطلاعات بیشتری داشته باشد و زمان بیشتری را برای رسیدگی و مطالعه قوانین صرف کند تا بتواند رسیدگی شایسته داشته باشد و همین موضوع سبب اطاله دادرسی و تأخیر در احقاق حقوق بزه‌دیدگان می‌شود؛ از این رو بهتر است قضات رسیدگی‌کننده به جرایم شخص حقوقی از افرادی انتخاب شوند که آموزش‌های لازم را در رسیدگی به این جرایم دیده باشند و با سایر علوم نیز آشنایی نسبی داشته باشند.

دلیل دیگر در اطاله دادرسی جرایم شخص حقوقی تعداد بالای بزه‌دیدگان است. در این جرایم رفتار مجرمانه می‌تواند تا چندین هزار نفر را تحت تأثیر قرار دهد و طبیعی است رسیدگی به شکایات این افراد، زمان زیادی خواهد برد. برای مثال اگر شخص حقوقی مرتکب جرایم زیست‌محیطی مانند آلوده‌شدن آب شرب یک شهرستان یا روستا شود و در اثر این آلودگی، افراد ساکن آن منطقه دچار آسیب جسمی یا جانی شوند، تعداد بالای بزه‌دیدگان روند رسیدگی را طولانی خواهد کرد؛ یا در پرونده خون‌های آلوده که تعداد بزه‌دیدگان مستقیم و غیرمستقیم آن حدود سه هزار نفر بودند، همین موضوع از عوامل اطاله دادرسی بود.

جمع‌آوری ادله مورد نیاز برای احراز اتهام انتسابی علیه شخص حقوقی می‌تواند از دیگر عوامل اطاله دادرسی باشد. ماهیت جرایم اشخاص حقوقی به گونه‌ای است که برای اثبات اتهام به این اشخاص، دادگاه نیازمند دریافت نظریه‌های کارشناسی، معاینه محل و غیره است تا بتواند حکم به محکومیت صادر کند و همین جمع‌آوری ادله می‌تواند فرایند دادرسی را طولانی‌تر کند؛ برای نمونه وقتی شرکتی اقدام به کلاهبرداری یا سایر جرایم مالی کند، دریافت نظر کارشناسان مالی، حسابداری و کارشناسان دادگستری در این زمینه ضروری است و بی‌شک طی کردن این مراحل نیاز به زمان زیادی خواهد داشت.

### نتیجه‌گیری

عوامل زیادی همچون رشد جوامع، پیشرفت فناوری و صنعتی شدن دنیای امروزه سبب ورود اشخاص حقوقی به زندگی انسان‌ها شده است و اکنون رابطه‌ای جدانشدنی با اشخاص حقیقی یافته‌اند. حضور اشخاص حقوقی در دنیای امروز فواید زیادی به دنبال داشته است ولی گاه فعالیت‌هایشان سبب ایراد خسارت به جان و مال افراد می‌شود و بزه‌دیدگی اشخاص حقیقی را به دنبال دارد. فعالیت‌های اشخاص حقوقی اعم از شرکت‌های تجارسی و غیرتجارتی و

کارخانه‌های صنعتی به گونه‌ای است که کسب سود و درآمد را هدف نهایی خود می‌دانند و در جهت تحقق این هدف، مرتکب رفتارهایی می‌شوند که حاصل آن ورود خسارت و بزه‌دیدگی اشخاص حقیقی است.

شیوه‌های بزه‌دیدگی اشخاص حقیقی ناشی از جرایم اشخاص حقوقی، با توجه به نوع فعالیت این اشخاص متفاوت است. گاهی شخص حقوقی با آلودگی محیط زیست، هوا، آب شرب و گاه با استثمار و به‌کارگماشتن اشخاصی چون کودکان و زنان و گاه با حوادث ناشی از کار و یا قصور در انجام وظایف محوله، موجبات بزه‌دیدگی شخص حقیقی را فراهم می‌کنند. زیان‌ها و آسیب‌های وارده از طرف اشخاص حقوقی به قربانیان، دارای ابعاد مختلف جسمی، مالی و معنوی است و گاه ممکن است اثرات آن‌ها تا مدت‌ها و شاید تا پایان عمر با این بزه‌دیدگان باقی بماند. این آسیب‌ها مواردی چون مرگ، قطع عضو و ازکارافتادن اعضای بدن، از دست دادن اموال، افسردگی و اختلال‌های روانی را به همراه خواهد داشت.

بزه‌دیدگان جرایم اشخاص حقوقی در احقاق حق خود و مطالبه خسارات واردشده با مشکلات فراوانی مواجهند. نابرابری قدرت اقتصادی بزه‌کار و بزه‌دیده، فقدان جرم‌انگاری توسط قانون‌گذار، نبود مقررات دادرسی مناسب و کافی، مشکلات ناشی از کشف جرم، بی‌اطلاعی از بزه‌دیدگی، و دشواری اثبات رابطه علیت بین زیان‌های وارده و رفتار شخص حقوقی از عمده مشکلات بزه‌دیدگان جرایم اشخاص حقوقی است و تا زمانی که این مشکلات باقی است، احقاق حق بزه‌دیدگان به صورت کامل محقق نخواهد شد. در جهت رفع این مشکلات، پیشنهادهای زیر ارائه می‌شود:

۱. قانون‌گذار باید درباره رفتارهای ارتكابی شخص حقوقی سخت‌گیری بیشتری داشته باشد و با تصویب قوانین کیفری مناسب و ضمانت‌اجراهای قوی، سبب پیشگیری از وقوع جرایم این اشخاص شود. همچنین به منظور رفع موانع دادرسی، در تکمیل قانون آیین دادرسی اشخاص حقوقی اقدام کند و آیین دادرسی مفصل‌تری را برای رسیدگی به جرایم این اشخاص مورد تصویب قرار دهد؛

۲. ضروری است قوه قضاییه شعب ویژه و قضات آموزش‌دیده را برای رسیدگی به جرایم اشخاص حقوقی در نظر بگیرد، زیرا جرایم ارتكابی این اشخاص از پیچیدگی‌های خاصی برخوردار است که اثبات و رسیدگی به آن‌ها توسط قضات آموزش‌دیده امکان‌پذیر است. علاوه

بر آن، چنین اقدامی سبب پیشگیری از اطاله دادرسی در رسیدگی به جرایم خواهد شد؛

۳. قوای مقننه، قضائیه و حتی مجریه باید حمایت‌های لازم از بزهدیدگان جرایم شخص حقوقی را مدنظر قرار دهند و تا جای ممکن در کاهش آسیب‌های وارده به این اشخاص بکوشند؛

۴. نهادهای ذیصلاح باید نسبت به بالابردن آگاهی مردم درباره جرایم اشخاص حقوقی اقدامات لازم را به عمل آورند، زیرا زیان‌دیدگان این جرایم اغلب از بزهدیدگی‌شان مطلع نیستند و یا در صورت اطلاع، آگاهی کافی نسبت به پیگیری این امور ندارند.

## منابع

۱. جعفری هرنندی، محمد (۱۳۸۴). «جایگاه شخصیت حقوقی» مجله فقه و مبانی حقوق اسلامی بابل، شماره ۱
۲. جعفری، امین (۱۳۸۶). «ابراز پشیمانی از ارتکاب جرم اقتصادی در حقوق فرانسه»، مجله حقوقی دادگستری، شماره ۶۱.
۳. جعفری، فریدون؛ چگینی حامد و کاظمی، سجاد (۱۳۹۹). «رویکرد انتقادی به تعقیب و تحقیق جرائم اشخاص حقوقی»، مجله تعالی حقوق، سال یازدهم، شماره سوم.
۴. رایجیان اصل، مهرداد (۱۳۸۵). جرم انگاری سوء استفاده از قدرت در پرتو تعامل حقوق بشر و نظام حقوق جزا»، رساله دکتری، دانشگاه شهید بهشتی.
۵. سالی اس، سیمپسون (۱۳۹۵). جرائم شرکتی، قانون و کنترل اجتماعی، ترجمه حمیدرضا دانش ناری، تهران: انتشارات میزان، چاپ اول.
۶. شکریان، مرضیه (۱۳۹۰). تعقیب جرم شرکتی، پایان نامه کارشناسی ارشد دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز.
۷. عباسی، محمود؛ شکر امرجی، ایوب و محمدی، سمیرا (۱۳۸۸). «مطالعه تطبیقی مسئولیت ناشی از خون‌های آلوده در نظام حقوقی ایران و فرانسه»، فصلنامه حقوق پزشکی، شماره ۸.
۸. عزیزی، مژگان (۱۳۹۲). «رویکرد بزه دیده شناسانه به جرائم شخص حقوقی»، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت مدرس.
۹. محمد خانی، حسین (۱۳۸۶). «مسئولیت مدنی دولت در بارگه داد»، تهران: انتشارات بعثت، چاپ اول.
۱۰. مهدوی پور، اعظم و شهرانی کرانی، نجمه (۱۳۹۴). «نقش مخبران در آیین دادرسی کیفری ناظر بر جرائم اقتصادی، مقتضیات و موانع»، پژوهش حقوق کیفری، شماره ۱۰.
۱۱. نجفی توانا، علی و مصطفی زاده، فهیم (۱۳۹۲). «جرم انگاری در نظام کیفری جمهوری اسلامی ایران»، مجله مطالعات فقه و حقوق اسلامی، شماره ۸.
12. Deckert, K. (2011), "Corporate Criminal Liability" in France in: Pieth, Mark pieth & Ivory, Radha; Corporate Criminal Liability, Springer.
13. Emanul Daoud et Clarisse Le Corre. (2013), La ré sponsabilité pé nale

des personnes morales, Perspectives Etudes.

14. Price, Marilyn and Danna M. Norris (2009), "White Collar Crime, Corporate Crime and Securities and Commodities Fraud", Journal of the American Academy of Psychiatry and The Law, No. 37(4).
15. Sé nat (www.Senat.fr), (2003), Les repentis face a la justice, Service des études juridiques; Juin.
16. Skinnider, Eileen (2011), Victim of Environmental Crime, international center, First Edition, Published by Criminal Law Reform and Criminal Justice Policy, Canada.
17. Spalek, Busia. (2008), "Corporate Harm and Victimization", Criminal Justice Matters, Vol 71.